

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره پیاپی ۳۳، تابستان ۱۳۹۷

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

نقش ساختار کالبدی شهرها بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در محلات شهری

مورد: محله قصردشت شیراز

علی شکور: استاد گروه جغرافیای انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

علیرضا عبدالله‌زاده فرد^۱: استادیار گروه شهرسازی، واحد صفاشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، صفاشهر، ایران

راضیه خورشیدی: کارشناسی ارشد طراحی شهری، واحد بیضا، دانشگاه آزاد اسلامی، بیضا، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

صص ۹۶-۸۵

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۴

چکیده

الگوی ساخت کالبدی را می‌توان ساده‌ترین راه در راستای دست‌یابی به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی دانست. بی‌تردید کیفیت کالبدی شهر در میزان و چگونگی برقراری روابط اثرگذار خواهد بود؛ به عبارت دیگر، روابط اجتماعی موجود در شهر، روح محله را زنده می‌سازد و بدون شک، کمیت و کیفیت آن، در گرو سلامت کالبد محله خواهد بود. تعاملات اجتماعی موجود در محله‌ها در مقایسه با سایر شبکه‌های اجتماعی، موثرترین عاملی است که در نتیجه‌ی آن، همبستگی اجتماعی حاصل می‌شود. عاملی که در سطح محله‌ها به ایجاد همبستگی اجتماعی کمک می‌کند، کیفیت ساختار کالبدی این مکان‌ها است که حضورپذیری ساکنان و به تبع آن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را به دنبال دارد. در این راستا، هدف اصلی پژوهش، نقش ساختار کالبدی بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی محله‌ی قصردشت شهر شیراز در نظر گرفته شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است که در محله‌ی قصردشت شیراز با جمعیت ۷۳۰۲ نفر و نمونه‌ی قابل تعمیم ۳۶۵ نفر مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار *SPSS* و از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی و رابطه‌ی آن‌ها با ساختار کالبدی معنادار است. همچنین از میان ۴ مؤلفه‌ی همبستگی اجتماعی، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق، وحدت اجتماعی، بیشترین تأثیر و احساس تعلق، کمترین تأثیر را بر همبستگی اجتماعی دارند. بنابراین آنچه گفته شد، در محله‌هایی که مناسبات اجتماعی در طول سالیان به واسطه‌ی روابط چهره به چهره میان ساکنان شکل گرفته است، درجه بالاتری از اعتماد، امنیت، کنش متقابل، همبستگی و انسجام اجتماعی وجود دارد.

واژگان کلیدی: ساختار کالبدی محله، همبستگی اجتماعی، وحدت اجتماعی، مشارکت، شیراز.

^۱. نویسنده مسئول: Alir.abdolazadeh@gmail.com ۰۹۱۷۳۱۳۸۲۹۹

بیان مسأله:

با آن‌که تمامی برنامه‌ریزان و محققان علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی، روان‌شناسی و... همگی بر ایجاد و حفظ سرمایه‌ی اجتماعی و همبستگی اجتماعی توافق نظر دارند، اما هنوز در رابطه با نحوه‌ی تحقق و شکل‌گیری آن‌ها پیچیدگی‌های زیادی وجود دارد (خورشیدی، ۱۳۹۵: ۳). در شهرهای سنتی ایران نیز به دلیل وجود ویژگی‌های کالبدی خاص آن زمان، وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان، نوعی حس تعلق خاطر و هویت را برای اهالی هر محله به همراه داشت که خود دلیل ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی موجود در این محله‌ها بوده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۸-۱۲). ارتباط میان ساخت کالبدی محله و همبستگی اجتماعی موجب گردیده تا از دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، الگوی محله‌های شهری، تحت عناوینی چون دهکده‌های شهری، نوشهرگرایی، توسعه‌ی حمل‌ونقل محور، توسعه‌ی واحدهای برنامه‌ریزی شده و غیره مطرح گردند (اردشیری و معاریان، ۱۳۸۹: ۲۳۰-۲۱۸). وجود اعتماد، همبستگی و تعاون و همکاری در اداره‌ی امور محله از جمله نشانه‌های وجود این ویژگی است. در حقیقت، رشد کالبدی محله‌ها در گذشته، ضمن حفظ ارزش‌های محیط اجتماعی خود، پاسخ‌گوی نیازهای ساکنان خود نیز بودند. با گذر زمان، ایجاد گسست در سازمان فضایی محله‌ها و به تبع آن از میان رفتن اعتبار و هویت کالبدی، در نهایت از بین رفتن سازمان اجتماعی موجود در محله‌های شهری را به دنبال داشته است (فاضلی و اشتیاقی، ۱۳۹۱: ۷-۳). هدف همه‌ی این الگوها، دستیابی مجدد به ایجاد اجتماعات منسجم محلی و بازیابی همبستگی اجتماعی از دست رفته در سلول‌های خرد شهری بود به گونه‌ای که راه را برای حل مسائل شهری هموار سازد. این تلاش‌ها تا آن‌جا ادامه داشته است که در نوشهرگرایی، با تأکید بر تأثیر مطلوبیت کیفیت‌های محیطی بر افزایش تمایل به پیاده‌روی در محله و در نتیجه افزایش میزان ارتباطات چهره به چهره، انتظاری‌رود که همبستگی اجتماعی تقویت گردد (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۸). شایان ذکر است که شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی به قدری به یکدیگر وابسته‌اند که برخی، یکی را به جای دیگری به کار می‌برند (میرزایی و قمشه، ۱۳۹۶: ۸-۳).

به دنبال این مسأله، کاهش کمی و کیفی تعاملات اجتماعی اتفاق افتاد و این در حالی است که در مباحث نظری، میزان و نحوه‌ی تعاملات اجتماعی میان ساکنان، وجود یا عدم وجود همبستگی اجتماعی را رقم می‌زند. نبود فضاهای جمعی متناسب با نیاز امروز ساکنان، کاهش تعاملات اجتماعی و ارتباطات چهره به چهره را در میان آن‌ها به دنبال داشت تا آن‌جا که ساکنان را نسبت به یکدیگر بیگانه ساخت (نواداد، ۱۳۹۳: ۷-۳)؛ این در شرایطی است که تجربه نشان می‌دهد که بهبود کیفیت محیطی و فضای کالبدی محله، به گونه‌ای که شرایط را برای افزایش تعاملات اجتماعی در آن فراهم آورد، می‌تواند رنگ تعلق، حس هویت، حس اعتماد و در نتیجه‌ی آن، همبستگی اجتماعی را در میان ساکنان تقویت کنند (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳: ۴-۱). همبستگی اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه‌ی پایدار محله‌ای است (احدنژادروشتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲-۱)؛ چرا که روابط و انسجام درون شبکه‌ای را بهبود بخشیده، بدین ترتیب، دسترسی به منابع بیرونی نیز بهبود می‌یابد (TDM Encyclopedia, 2012: 10-14). از سوی دیگر، برخی معتقدند اهمیت همبستگی اجتماعی در شکل‌گیری محله‌های پایدار، از آن جهت مورد توجه است که خودکفایی اقتصادی را به دنبال دارد (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در این میان، توجه به اصول روان‌شناسانه‌ی وجود همبستگی اجتماعی در محله از نظر پنهان نیست؛ وجود حس هویت، احساس امنیت و روابط متکی بر اعتماد متقابل میان ساکنان، همگی اهمیت وجود همبستگی در محله را نشان می‌دهند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۲). در این میان، آن‌چه از مطالعات انجام شده بر می‌آید، نشانگر آن است که همبستگی اجتماعی را می‌توان متأثر از ویژگی‌های فیزیکی محله از یک سو و ویژگی‌های اجتماعی آن از سوی دیگر و همچنین تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر دانست (حقیقتیان، ۱۳۹۴: ۷-۴). بحث اصلی این موضوع، اثرات دوسویه و متقابل میان ابعاد اجتماعی، ساختاری و مادی مکان بر

سلامت جامعه محلی است (هدایتی مرزبالی و مقصودی تیلای، ۲۰۱۴: ۴۰۵-۳۸۴). در حقیقت، از آنجا که در نظریه‌های همبستگی اجتماعی، روابط چهره به چهره و تعاملات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی به شمار می‌روند، در صورتی که ساختار کالبدی محله بتواند به روابط چهره به چهره کمک نماید، می‌تواند به عنوان راهکاری در جهت ایجاد و تقویت پیوندها و روابط اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گیرد (قنبران وجعفری، ۱۳۹۳: ۶-۲)؛ به عبارت دیگر، شیوه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی فیزیکی محله را می‌توان بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی مؤثر دانست (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰-۲).

اهمیت همبستگی اجتماعی و نقش آن در توسعه پایدار، شناسایی عوامل تأثیرگذار و یافتن روش‌های تقویت این مؤلفه‌ی توسعه را ضرورت بخشیده است. بررسی ادبیات موجود، حاکی از نقش روابط اجتماعی در شکل‌گیری و تقویت همبستگی اجتماعی است. از سوی دیگر پژوهش‌های صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که بافت کالبدی محلات شهری سهم به‌سزایی در شکل‌گیری روابط اجتماعی دارند (ترابی، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۰). هدف این مقاله، بررسی نحوه‌ی تأثیرگذاری کالبد فیزیکی محلات شهری در شکل‌گیری روابط اجتماعی و تبیین نقش آن به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بهبود همبستگی اجتماعی است. از میان رویکردهای اخیر در شهرسازی به پاسخ این سؤال و اثبات این فرضیه می‌پردازیم که: «در تحقق و تقویت همبستگی اجتماعی، کدام‌یک از ویژگی‌های کالبدی نقش بیشتری دارد؟»؛ به عبارت دیگر آیا بین ساختار کالبدی محله قصردشت شیراز و همبستگی اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟

- به نظر می‌رسد که میان همبستگی اجتماعی و ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مبانی مشارکت، احساس تعلق و وحدت اجتماعی ارتباط وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که در تحقق و تقویت همبستگی اجتماعی ویژگی‌های کالبدی (مؤلفه‌ی همبستگی اجتماعی، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق، وحدت اجتماعی) نقش دارد.

ادبیات نظری پژوهش:

کالبد مطلوب نوعی حس غرور و حس تعلق را در ساکنانش به وجود می‌آورد که تمایل به مداخله و مشارکت در امور مربوط به محله‌ی خود را به دنبال دارد. کالبد محله اگر مکانی شود برای برقراری شکل مطلوبی از تعاملات اجتماعی و کنش متقابل میان ساکنان، آن‌گاه به صورتی از همبستگی اجتماعی دست یافته‌ایم. در حقیقت، شکل‌گیری روابط میان اعضا به یک نوع شناخت از یکدیگر منجر می‌شود که حس اعتماد و امنیت را در پی خواهد داشت (کلانتری و درخشانی، ۱۳۹۳: ۱-۵). به عقیده کولمن، یکی از مشخصه‌های روابط اجتماعی، که هنجارهای مؤثر و کارا به آن وابسته هستند، بستگی و انسداد است. در محله‌ای که دارای اجتماع منسجم و سطح بالایی از همبستگی اجتماعی است و تعاملات اجتماعی میان ساکنان وجود دارد، وجود حریم محله، اهمیت ویژه می‌یابد. حریم (لبه) محله تفکیک‌کننده‌ی کالبد محله از بقیه‌ی قسمت‌های شهر است، به آن تشخیص داده می‌شود و در نتیجه‌ی آن، ساکنان هویت محلی خواهند داشت. از این رو، ورودی محله، معرف آن درمیانه‌ی فضای پرتردد شهر خواهد بود. ورودی محله باید محدود باشد تا حس دعوت‌کنندگی برای غریبه‌ها را به حداقل برساند و حریم محله را برای ساکنان نسبت به محیط شهری تا حد امکان حفظ نماید (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۲)؛ اما حریم محله به همان اندازه که ویژگی «غریب‌گریز بودن» (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۴) را داراست، برای ساکنان به عنوان فضایی در امتداد فضای خصوصی و صمیمی خانه که آن را از فضای عمومی شهر جدا می‌کند، عمل می‌نماید (مدنی پور، ۱۳۸۹: ۱۶۳). به گونه‌ای که تعریف استخوان‌بندی، کارکردها، نحوه‌ی پخشایش آن‌ها، نشانه‌ها و غیره همگی در شکل‌گیری و نوع روابط متقابل

و کنش‌های اجتماعی میان ساکنان تأثیرگذار و حتی تعیین‌کننده خواهند بود. تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌ی حمل و نقل عمومی و برنامه‌ریزی کاربری زمین، به گونه‌های مختلف بر ایجاد همبستگی اجتماعی تأثیرگذار هستند (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۴۹). احتمال شناخت و برقراری ارتباط میان همسایه‌ها در ساکنان خیابان‌هایی با حجم عبوری کم، کوچه‌های بن بست و همسایه‌های ثابت بیشتر از سایر خیابان‌ها و محله‌هاست (Litman, 2012: 110-115). وجود کارکردهای متنوع که تعاملی میان آن‌ها و ساکنان در ساعات مختلف شبانه روز دارند، از یک سو سرزندگی را در سطح محله ایجاد خواهد کرد و از سوی دیگر، باعث افزایش میزان کنترل غیررسمی خواهد شد. لیدن، گلدنبرگ و میشلباخ (۲۰۱۱) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که دسترسی ساکنان به حمل و نقل عمومی، تسهیلات فرهنگی (سرگرمی و کتابخانه)، تسهیلات فراغتی (پارک) و تسهیلات ورزشی با احساس رضایت ساکنان ارتباط مستقیم دارند (اردشیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۸). از دیگر نکاتی که در طراحی کالبدی محله می‌تواند به بهبود کیفیت حضور فعال در فضاها و بخش‌های مختلف محله برای ساکنان منجر شود، استفاده از تأکیدات عمودی در طراحی و عناصر شاخص اعم از بناهای معماری یا عناصر شاخص یادمانی است که خوانایی را از نقاط مختلف تأمین می‌کند. همچنین دسترسی به مغازه‌ها و فضاهای جذاب، تمیز و ایمن که شامل احساس امنیت به هنگام پیاده‌روی در شب نیز است و محیط مناسبی برای پرورش کودکانشان به شمار می‌رود، همگی از عواملی هستند که میزان رضایت‌مندی ساکنان را تعیین می‌کنند. وجود بدنه‌های شفاف بازشو و پنجره در بدنه‌ها از یک سو و اعمال نور مناسب در شب نیز می‌تواند میزان کنترل غیررسمی را بالا برده، از بروز جرم در محله پیشگیری نماید (ترابی، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۰).

مفهوم همبستگی اجتماعی و مؤلفه‌های آن:

همبستگی اجتماعی به معنایی که امروز به کار می‌رود، نخستین بار توسط امیل دورکیم وارد جامعه‌شناسی شد. وی از درون تقسیم کار در نظام اجتماعی، مفهوم همبستگی اجتماعی را به دست آورد. او در دو کتاب معروف خود به نام‌های تقسیم کار اجتماعی و خودکشی، در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی سخن گفته است (زندرضوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۰). اولین بار، ورود موضوع همبستگی اجتماعی به ادبیات مطالعات شهری در سال ۱۹۶۰ با کتاب جین جیکوبز به نام زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی صورت گرفت. جیکوبز، همبستگی اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با مسائلی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. بدین ترتیب، مفهوم همبستگی اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به طور جدی وارد مباحث علوم اجتماعی و اقتصادی گردید (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۱). همبستگی اجتماعی دارای مؤلفه‌های متعددی است که موثرترین آن‌ها، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها به نوعی مؤثر بر روابط افراد یک محله هستند و عاملی بر ارتقاء تعاملات و روابط چهره به چهره می‌باشند (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۱۹). وحدت اجتماعی بدین معنا است که افراد با حفظ انسجام و یک‌دستگی، هم عقیدگی خود را حفظ کرده، با عناصر خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشند. ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی موثرترین عامل بر همبستگی اجتماعی می‌باشد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۰).

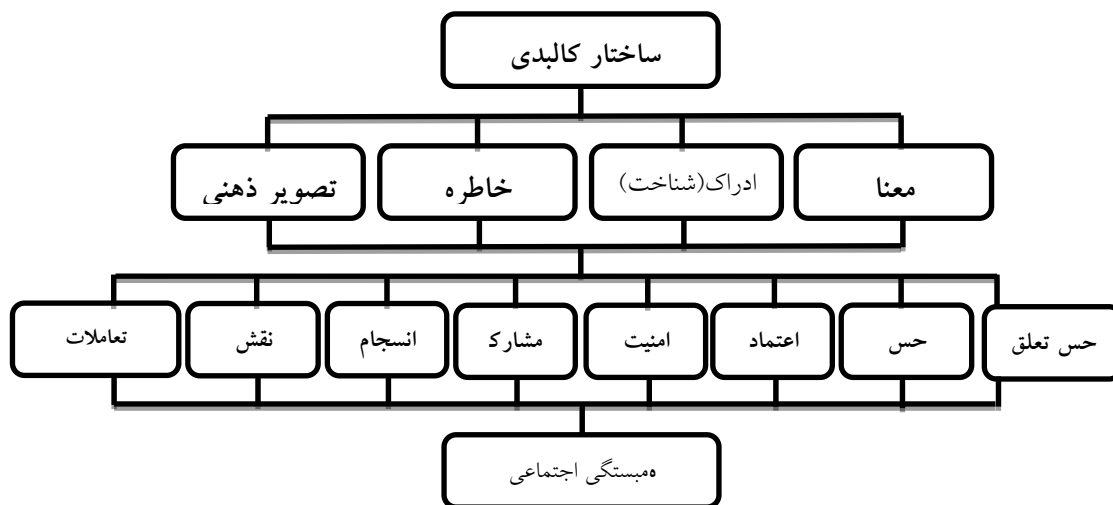
مشارکت با مفهوم به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام اجتماعی، دومین عامل تأثیرگذار بوده، احساس تعلق به مکان را می‌توان رابطه‌ای عاطفی و پر معنا بین شخص و مکان توصیف کرد. در حقیقت احساس تعلق به مکان، شاخصی است که از طریق آن می‌توان میزان متمایز بودن آن مکان را برای مردم نسبت به دیگر مکان‌ها سنجید. لذا ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه احساس تعلق، کمترین تأثیر را بر همبستگی اجتماعی دارد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸

(۶۰-۷۰). بنابراین می‌توان با بسط دادن هر یک از این عوامل مؤثر، میزان و چگونگی هر یک از این مؤلفه‌ها را بر ارتقاء همبستگی اجتماعی تبیین نمود (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰-۱). ایده‌ی اولیه در باب همبستگی اجتماعی آن است که روابط خانوادگی فرد، دوستان وی و همکارانش، مهم‌ترین دارایی‌های فرد را تشکیل می‌دهند که در شرایط بحرانی بدون هیچ چشم‌داشت مادی در کنار وی قرار می‌گیرند و از این جهت است که محله‌هایی که از شبکه‌های اجتماعی متنوع و انجمن‌های مدنی سهم می‌برند، با قدرت بیشتری به مقابله با فقر و آسیب‌پذیری و حل مشاجرات می‌پردازند و در مقابل از فرصت‌های نو بهره می‌برند (Dale, A. & Newman L, 2010: 10-20). بنابراین می‌توان گفت که همبستگی اجتماعی در درون یک فرد یا یک سازمان اجتماعی وجود ندارد؛ بلکه در فضای ارتباطی میان افراد موجودیت می‌یابد. اغلب نظریه‌های همبستگی اجتماعی بر نقش روابط و مناسبات اجتماعی بر شکل‌گیری و تقویت همبستگی اجتماعی تأکید دارند. بوردیو، کولمن، پاتنام و فوکویاما نیز همبستگی اجتماعی را وابسته به کیفیت روابط اجتماعی متقابل میان اعضاء جامعه‌ی محلی می‌دانند. در واقع این نوع از همبستگی یکی از منابعی است که از طریق روابط اجتماعی شناخته می‌شود (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۰). در این میان، فوکویاما پا را فراتر نهاده، همبستگی اجتماعی را یک هنجار اجتماعی می‌داند که از طریق همکاری بین دو یا چند نفر تقویت می‌شود و آن را محصول تعاملات چند جانبه می‌داند. از دید وی، همبستگی اجتماعی محصولی چون اعتماد دارد و هنجارهای این همبستگی بر همکاری گروهی بسیار مؤثر است (زند رضوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۸۸).

از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که تمامی نظریه‌پردازان در این زمینه اجماع نظر دارند که وجود صورت مطلوبی از روابط اجتماعی میان ساکنان، اساس شکل‌گیری همبستگی اجتماعی است. ارتباط میان همبستگی اجتماعی و مناسبات اجتماعی موجب گردید تا نظریه‌پردازان به عواملی که در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی نقش دارند، از جمله نهادهای اجتماعی و فضای کالبدی، توجه نمایند. این توجه باعث گردید تا این باور تقویت گردد که محله، بستر مناسبی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و همچنین ایجاد ارتباط با خود مکان است که هر دوی این روابط برای ایجاد همبستگی اجتماعی مهم هستند (اختر محقق، ۱۳۸۹: ۷۵-۸۹). بنابراین می‌توان گفت که همبستگی اجتماعی در یک محله در شرایطی به وجود می‌آید که تعامل میان ساکنان آن به حد مطلوب خود رسیده باشد. بدیهی است تمامی محله‌ها به این ویژگی دست پیدا نخواهند کرد. لیدن معتقد است «برخی محله‌ها به گونه‌ای طرح‌ریزی و ساخته می‌شوند که انگیزه‌ی ایجاد تعاملات را به وجود آورند و برخی دیگر به عکس، از شکل‌گیری این روابط جلوگیری می‌کنند (لیدن و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۸۰).

به عبارت دیگر، در محله‌ای که فرصت جهت حضور مؤثر ساکنان در بخش‌های مختلف آن وجود دارد، می‌توان انتظار داشت که ساکنان کنش‌های جمعی و برخورد‌های اجتماعی مؤثرتری داشته باشند به شکلی که مفهوم شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را معنا بخشند. این مسأله مستلزم آن است که نیازهای امروز ساکنان، اعم از نیازهای فیزیکی که شکل‌دهنده‌ی فضاها و کارکردهای مختلف به منظور تأمین میزان کمی روابط چهره به چهره هستند و همچنین نیازهای روحی و روانی آن‌ها که تأمین‌کننده‌ی کیفیت روابط اجتماعی می‌باشند، در ساخت کالبد محله نمود پیدا کند. تنها در صورت تحقق این مهم است که می‌توان بستر مناسبی جهت روابط اجتماعی مطلوب میان ساکنان به وجود آورد و بدین ترتیب انتظار داشت که روابط چهره به چهره میان ساکنان، حتی اگر از نوع برخورد‌های تصادفی در بخش‌های مختلف محله، از پیاده‌راه‌ها تا مکان‌های جمعی محله، باشند، به شکل‌گیری روابط اجتماعی هدف‌مند منجر گردند. در این شرایط، دیگر ساکنان محله نسبت به همسایگان و یا اتفاقاتی که در محیط زندگی‌شان می‌افتد، بی تفاوت نخواهند بود؛ چرا که نوعی احساس هویت و تعلق نسبت به محله دارند که موجب می‌شود این مکان چیزی فراتر از یک موجودیت مادی صرف باشد. در این شرایط است که می‌توان گفت جسم یا

کالبد محله از یک روح یا محتوای سالم برخوردار خواهد بود. این محتوای سالم، همان مفهومی است که تحت عنوان همبستگی اجتماعی می‌شناسیم (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۵-۲).



شکل ۱- نقش ساختار کالبدی در شکل گیری همبستگی اجتماعی - ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی- تحلیلی از نوع کاربردی و نمونه‌ی تحقیق حاضر، محله‌ی قصردشت شهر شیراز است. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسش‌نامه و مطالعه‌ی میدانی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری مطالعه حاضر، با توجه به اطلاعات آماری سال ۱۳۹۵ که توسط سازمان آمار و اطلاعات بیان شده، ۷۳۰۲ نفر از یعنی ساکنین محله قصردشت شیراز هستند. با توجه به جدول مورگان، تعداد نمونه قابل تعمیم ۳۶۵ نفر برآورد شده، توزیع نمونه به روش تصادفی ساده انجام شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. روش‌های تحلیلی مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام می‌باشند.

جدول ۱- معرفی متغیرهای پژوهش

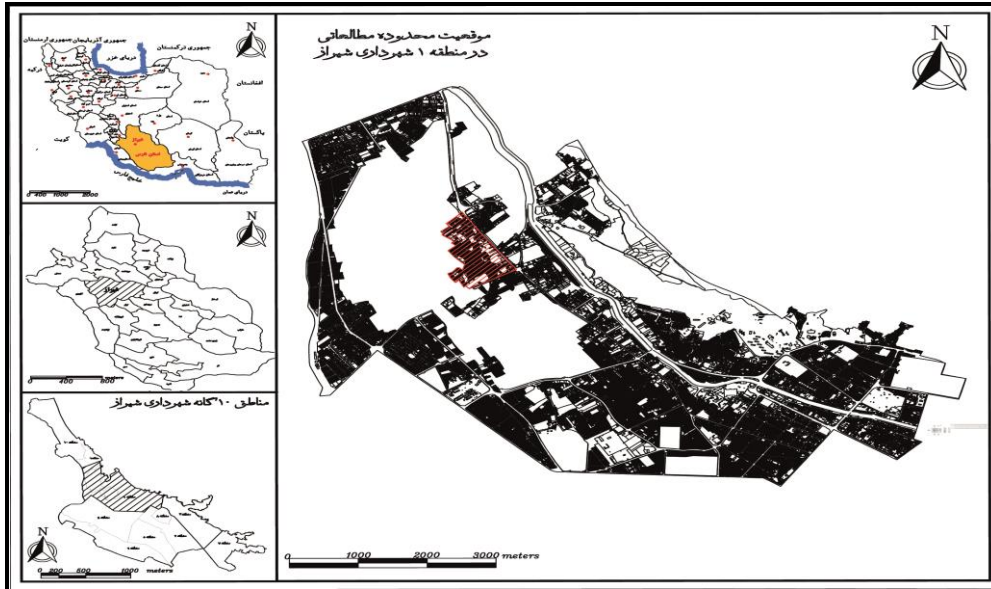
متغیرها	مفاهیم عملیاتی
همبستگی اجتماعی	تا چه اندازه خود را بخشی از اجتماع شکل گرفته در این فضا می‌دانید؟
وحدت اجتماعی	میزان اعتماد شما به همسایگان در محله چقدر است؟ رفاقت و همکاری که با دیگر افراد در این فضا دارید، تا چه اندازه برایتان ارزش دارد؟ آیا وقتی نیاز به کمک دارید می‌توانید از افراد این محله کمک بگیرید؟
مشارکت	میزان تمایل شما به مشارکت در تأمین نیازهای محله چقدر است؟ میزان مساعدت و همکاری شما با سایر ساکنین محله جهت حل مسایل و مشکلات موجود محله چقدر است؟ آیا تا کنون در فعالیت‌های جمعی پیش آمده در این محله شرکت کرده‌اید؟
احساس تعلق	تا چه اندازه تمایل دارید محل سکونت خود را تغییر بدهید؟

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

معرفی محدوده مورد مطالعه:

شیراز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. باغ‌های خاص، آب و هوای بی‌نظیر، گردشگاه‌های طبیعی و آثار باستانی منحصر به فرد از آن جمله هستند؛ اما وجود محله‌های قدیمی خاص نیز از ویژگی‌های جالب و منحصر به فرد آن به شمار

می‌رود. محله‌ی قصردشت یکی از محله‌های قدیمی شیراز است که در طول سالیان گذشته دچار فرسودگی شده است. محدوده‌ی محله‌ی قصردشت ۴۰۰۶۱۶ مترمربع است که مساحت بافت پر آن ۱۶۵۰۲۶/۹ مترمربع (۵۸ درصد) و مساحت بافت خالی ۱۱۸۵۶۶/۹ متر مربع (۴۶ درصد) است. (شکل شماره ۲).



شکل ۲- موقعیت قرار گیری محله‌ی قصرودشت در محدوده‌ی شهر شیراز

شیب این منطقه از شمال به جنوب است. جمعیت این محدوده ۷۳۰۲ نفر و تعداد خانوار آن ۲۳۸۶ است؛ تراکم خالص آن ۲۰۲ نفر و خالص مسکونی آن ۳۰۴ نفر می‌باشد. معابر این محدوده در سطح درجه‌ی دو فرعی محسوب می‌شود که کمترین عرض، نقش و عملکرد را دارد و حدود ۷۳۵۹۹ مترمربع با ۱۸/۴ درصد از سطح محدوده را به خود اختصاص داده‌اند. اکثر معابر محدوده‌ی ۸-۶ و ۱۲-۸ متر می‌باشند. مقیاس جای‌گیری این معابر محله‌ای می‌باشد. قطعات کاربری این محله شامل: مسکونی، تجاری، زمین بایر و باغات است. تراکم ساختمانی در این محدوده ۱۰۳ درصد است. تعداد طبقات ساختمانی در محله‌ی قصردشت یک طبقه تا چهار طبقه بوده، معماری محدوده شامل معماری دوره‌ی معاصر و معماری دوره پهلوی دوم و نیز معماری مدرن است. اکثر ساکنین این محدوده غیر بومی و ۶/۲ ساکنین اجاره نشین هستند عمده‌ی املاک تجاری این محدوده به صورت استیجاری در اختیار کسبه قرار دارد. عملکرد اصلی محله، مسکونی و در لبه‌های محله دارای فعالیت تجاری است. وضعیت نشان می‌دهد که نقش عمده‌ی این محدوده در عمق بافت مسکونی بوده، به اسکان اقبال کم درآمد تعلق دارد (مهندسین مشاور فرهاد، ۱۳۹۰). محله‌ی قصردشت دارای ۲ محورهاست: همت شمالی و خیابان قصردشت. محدوده شامل موارد زیر است: ۱- امام زاده شاهزاده محمد ۲- میدان قصردشت ۳- مسجد جامع قصردشت ۴- حمام و بازارچه. با توجه به شرایط و وضعیت محله قصردشت می‌توان با ساختار کالبدی متناسب، تأثیر به سزایی بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی گذاشت و مرکزیت و محوریت محدوده به عنوان یکی از محله‌های قدیمی شیراز می‌تواند بر تعاملات و تردد افراد در این محدوده بسیار موثر باشد.

یافته‌های تحقیق:

برای دستیابی به هدف تحقیق، به بررسی فرضیات تحقیق پرداختیم. در مرحله‌ی اول برای سنجش معناداری رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است:

• به نظر می‌رسد بین همبستگی اجتماعی و ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت، احساس تعلق و وحدت اجتماعی، رابطه‌ی معنا وجود دارد.

بررسی ضریب همبستگی بین متغیر مستقل ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه مشارکت و همبستگی اجتماعی حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار بین دو متغیر مورد بررسی می‌باشد. میزان معناداری به دست آمده ($sig = 0.000 < 0.05$) این ادعا را تأیید می‌کند. همان‌طور که در جدول خروجی شماره‌ی ۳ مشخص است، ضریب همبستگی پیرسون 0.730 به دست آمده است و از آن‌جایی که معیار تصمیم $sig = 0.000$ می‌باشد که از 0.05 کوچک‌تر است، لذا رابطه‌ی بین دو متغیر مورد بررسی یعنی همبستگی اجتماعی و ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی احساس تعلق معنادار است. سنجش معناداری بین دو متغیر همبستگی اجتماعی و ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی نیز نشان از رابطه‌ی معنادار بین دو متغیر فوق دارد. شایان ذکر است که ضرایب همبستگی به دست آمده، نشان از رابطه‌ای قوی و مثبت بین متغیرهای مستقل و وابسته در این پژوهش دارد. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- نتایج آزمون ضریب همبستگی بین همبستگی اجتماعی (متغیر وابسته) و متغیرهای مستقل

ساختار محله طراحی شده بر پایه وحدت اجتماعی	ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی احساس تعلق	ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی اجتماعی
۰/۹۶۸**	۰/۷۳۰**	۰/۹۴۴**	معناداری	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	تعداد	
۳۵۶	۳۵۶	۳۵۶		

** ضریب همبستگی در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

حال که هر سه مؤلفه فوق (ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت، ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی احساس تعلق، ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه وحدت اجتماعی) ارتباط معنادار را نشان داده‌اند، به بررسی فرضیه دوم یعنی به نظر می‌رسد که در تحقق و تقویت همبستگی اجتماعی ویژگی‌های کالبدی (مؤلفه‌ی همبستگی اجتماعی، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق، وحدت اجتماعی) نقش دارد، می‌پردازیم. برای اثبات این فرضیه از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق با همبستگی اجتماعی در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون رگرسیون گام به گام جهت یافتن مؤثرترین ویژگی‌های کالبدی در شکل‌گیری و تقویت همبستگی اجتماعی

معناداری	آزمون t	ضریب استاندارد $Beta$	ضرایب استاندارد نشده		مدل خط رگرسیون
			خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۳۸/۴۰۵	۰/۹۶۸	۰/۰۲۱	۰/۷۸۹	۱ ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳۳/۲۷۹	۰/۵۹۷	۰/۰۱۵	۰/۴۸۶	۲ ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت
۰/۰۰۰	۲۴/۴۲۸	۰/۴۳۸	۰/۰۱۷	۰/۴۱۸	
۰/۰۰۰	۱۲/۴۷۶	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۱۷	۳ ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه وحدت اجتماعی ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی احساس تعلق
۰/۰۰۰	۱۱/۸۲۳	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۴۱۷	
۰/۰۰۰	۴/۷۸۷	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

همان طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، طی سه گام، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق، قادر به پیش‌بینی همبستگی اجتماعی بوده‌اند. بر پایه‌ی آنچه که در جدول ارائه شده است، طی گام اول، وحدت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۹۶۸، ۸۰ درصد از واریانس همبستگی اجتماعی را تبیین نموده است. در گام دوم مشارکت با ضریب بتای ۰/۴۳۶، به وحدت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۵۱۱ افزوده شده و توان تبیین همبستگی اجتماعی را به ۸۸ درصد رسانده است که از این مقدار ۸ درصد به صورت انحصاری و افزوده مربوط به مشارکت می‌باشد. در گام سوم احساس تعلق با ضریب بتای ۰/۱۲۸، به وحدت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۵۱۱ و مشارکت با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۳۶ افزوده شده و توان تبیین همبستگی اجتماعی را به ۹۴ درصد رسانده است که از این مقدار ۶ درصد به صورت انحصاری و افزوده مربوط به احساس تعلق می‌باشد. باتوجه به نتایج به دست آمده، ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی، مؤثرترین عامل در همبستگی اجتماعی است. عامل دوم تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی، ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت است؛ و در نهایت ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی تعلق، کم‌ترین تأثیر را بر همبستگی اجتماعی دارد (خورشیدی، ۱۳۹۵: ۹۱-۹۳).

نتیجه‌گیری:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رسیدن به همبستگی اجتماعی یک پروسه‌ی ظریف و پیچیده است. مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری همبستگی اجتماعی، مانند اعتماد، امنیت و مشارکت در محله‌هایی که روابط اجتماعی از میزان کمی و کیفی بالاتری برخوردار است، شکل می‌گیرند. درفضاهایی که اعتماد، انسجام اجتماعی، امنیت، روابط متقابل و همبستگی قوی‌تری وجود دارد، سطح بالایی از همبستگی اجتماعی در محله‌هایی که شرایط محیطی و ساختارکالبدی، شرایط مطلوبی را برای حضور ساکنان در بخش‌های مختلف محله فراهم می‌کنند، دیده می‌شود. در این راستا، می‌توان گفت محله‌هایی که از درجه‌ی بالایی از همبستگی اجتماعی برخوردارند، پایدارترند. از این رو در محله‌ای که ساکنان نسبت به محل زندگی‌شان احساس تعلق خاطر، هویت و غرور دارند افراد از بروز آسیب‌ها جلوگیری می‌نمایند و به نوعی امنیت جامعه‌ی محلی خود را تأمین می‌کنند. بدین ترتیب، می‌توان ساده‌ترین راه در راستای دستیابی به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی را الگوی ساخت کالبد فیزیکی دانست. علاوه بر آن، اگر کالبد به درستی طرح‌ریزی گردد، راهکاری پایدار خواهد بود و به سادگی دچار زوال و نابودی نمی‌شود.

بنا بر آنچه گفته شد، مطالعات نشان می‌دهد که میان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در محله، که موجب شکل‌گیری همبستگی اجتماعی می‌شود، با میزان پایداری محله ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. با توجه به بررسی‌ها و بر پایه‌ی آنچه که از تحلیل آماری ارائه شده است، طی گام اول، وحدت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۹۶۸، ۸۰ درصد از واریانس همبستگی اجتماعی را تبیین نموده است. در گام دوم، مشارکت با ضریب بتای ۰/۴۳۶، به وحدت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۵۱۱ افزوده شده و توان تبیین همبستگی اجتماعی را به ۸۸ درصد رسانده است که از این مقدار ۸ درصد به صورت انحصاری و افزوده مربوط به مشارکت است. در گام سوم، احساس تعلق با ضریب بتای ۰/۱۲۸، به وحدت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۵۱۱ و مشارکت با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۳۶ افزوده شده و توان تبیین همبستگی اجتماعی را به ۹۴ درصد رسانده است که از این مقدار ۶ درصد به صورت انحصاری و افزوده مربوط به احساس تعلق می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی مؤثرترین عامل در همبستگی اجتماعی است. عامل دوم تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی، ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی مشارکت می‌باشد. در نهایت، ساختار

محلّه‌ی طراحی شده بر پایه‌ی تعلق، کم‌ترین تأثیر را بر همبستگی اجتماعی دارد. با توجه به جمع بندی صورت گرفته، درجهت ارتباط چرا و چگونگی تحلیل‌های صورت گرفته به ارائه‌ی پیشنهادهایی جهت ارتقای کیفیت ساختار کالبدی محلّه‌ی قصردشت و افزایش همبستگی اجتماعی پرداخته می‌شود. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- ارائه‌ی پیشنهادات

پیشنهادات	عنوان
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد فضاهای عمومی در محلّه • ایجاد فضاهای باز عمومی در محلّه 	استفاده‌ی بهینه از اراضی
<ul style="list-style-type: none"> • شناسایی اجزاء و قطعات معضل‌دار • تخریب و نوسازی بناها 	کالبدی - عملکردی
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد فرصت‌های برابر برای دسترسی و استفاده‌ی ساکنین از امکانات • بهینه‌سازی رابطه‌ی ظرفیت محدوده با عملکردهای مختلف مسکونی و ... • جذب سرمایه و مشارکت مالی و اقتصادی • بالا بردن میزان دسترسی و نفوذپذیری در بافت • بهبود کیفیت مسکن مطابق با استانداردهای ساختمان و دمیدن حیات مجدد به کالبد 	راهبردهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> • امکان تقویت کیفیت محیطی، کالبدی و اجتماعی با توجه به عناصر موجود • امکان تقویت کیفیت محیطی، کالبدی و اجتماعی با توجه به عوامل طبیعی و انسان‌ساخت • تقویت جداره‌ی باغات موجود با شفاف کردن جداره‌ی باغات 	کیفیت محیطی، کالبدی و اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> • نورپردازی مناسب معابر • ایجاد شبکه‌ی دسترسی منظم طبق آیین‌نامه‌ی گذر بندی • پیاده‌رو سازی و کف‌سازی‌های مناسب • استفاده از مصالح همگون در نماها و بدنه‌ها، ایجاد خط آسمان و ریتم مناسب در محدوده • شاخص کردن عناصر واجد ارزش با ایجاد میدان‌گاه، فضای دسترسی مناسب، نظم‌بخشی به بدنه‌ها (مرمت) • استفاده از مبلمان متناسب با طراحی شهری پیشنهادی • ایجاد فضاهای سبز عمومی 	کیفیت محیطی، کالبدی و اجتماعی

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

منابع و مأخذ:

۱. اتابکی، جواد (۱۳۹۵): بررسی تنوع هویت های اجتماعی در شهرکاشان و عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی در سطح محلات، دومین همایش بین المللی معماری، عمران و شهرسازی.
۲. اردشیری، مهیار و معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹): هویت شهری شیراز، شیراز، انتشارات: نوید شیراز.
۳. اردشیری، مهیار، حاجی پور، خلیل و سمیه حکیمی (۱۳۹۲): مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال چهارم، شماره سیزدهم، مردشت، صص ۳۵-۵۶.
۴. احدنژادروشتی محسن، حیداری قلی، روح الله او جاقلو (۱۳۹۳): نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی (مورد مطالعه محله نارمک تهران)، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال چهارم، شماره دوازدهم، تهران، صص ۲۵-۵۰.

۵. احمدی فرشته (۱۳۹۰): ساختار کالبدی و سیمای روستایی در بومهای بیابانی عوامل شکل دهنده آسیب ها و راهکارها (مطالعه موردی روستای ابیانه)، همایش ملی بوم های بیابانی، گردشگری و هنرهای محیطی، صص ۸-۱۲.
۶. اخترمحقق، مهدی (۱۳۸۹): سرمایه اجتماعی، ناشر: تهران.
۷. اصغرزاده یزدی سارا (۱۳۸۹): اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه ریزی محله های شهری، نشریه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۰، تهران: صص ۶۳-۵۰.
۸. تنهایی ابولحسن، حسین و زهرا حضرتی صومعه (۱۳۸۸): بررسی نظری پژوهش های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، صص ۱-۲۴.
۹. پیراهری، نیر (۱۳۸۸): همبستگی اجتماعی در نظریات جدید، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۴۵-۱۳۱.
۱۰. پور محمدی، محمد رضا، کریم حسین زاده دلیر و عیسی پیری (۱۳۸۹): حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی. آزمون نظم نهادی، فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی مطالعه موردی: کلان شهر تبریز. مطالعات جغرافیایی منطقه خشک دوره ۱ شماره ۱، سبزوار، صص ۲۰-۲.
۱۱. ترابی، محمد (۱۳۹۱): طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، صص ۱-۱۵۰.
۱۲. حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵): برنامه ریزی محله مبنای رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری، پایدار، تهران: نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، تهران، صص ۳۷-۴۶.
۱۳. حقیقتیان، منصور، رضا اسماعیلی، سمیه کریمزاده اردکانی (۱۳۹۴): محله محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران، مطالعات جامعه شناختی شهری، بهار، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۷۴-۵۳.
۱۴. خاکپور، براتعلی، مافی، عزت الله و باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸): نقش همبستگی اجتماعی در توسعه پایدار محله ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، صص ۸۱-۵۵).
۱۵. خورشیدی، راضیه (۱۳۹۵)، نقش ساختار کالبدی بر شکلگیری همبستگی اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی بیضا، صص ۱-۱۲۴.
۱۶. ربانی خوراسگانی، علی و صدیق اورعی، غلامرضا و خنده رو، مهدی (۱۳۸۸): بررسی همبستگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در سطح محله، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۴۹-۱۱۹.
۱۷. زند رضوی، سیامک، ضیائی، کیوان و رحمانی، مریم (۱۳۸۸): ظرفیت های همبستگی اجتماعی برای دواستدار» برپایی اجتماعات محله ای در شهر در بم، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی کودک ۸۱، سال نهم، شماره صص ۸۱-۱۰۳.
۱۸. سیاوش پور، بهرام، مجتبی شادلو جهرمی و زهره مولایی رامشه (۱۳۹۳): ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی، صص ۱-۱۲.
۱۹. شارع پور، محمود (۱۳۹۰): سرمایه اجتماعی در حال فرسایش است، کتاب ماه علوم اجتماعی (مهر و آبان)، صص ۱۷-۱۵.
۲۰. عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی نیا، جمیله (۱۳۸۹): بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکی د بر شرایط محله های شهری ایران، مجله پژوهش های جغرافیای - انسانی، شماره ۷۲، تابستان ۱۳۸۹: صص ۱۰۲-۸۳.
۲۱. عبداللهی، مجید (۱۳۸۹): بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن، نشریه پژوهش های جغرافیای انسانی، تهران، صص ۵-۲.
۲۲. فاضلی محمد و معصومه اشتیاقی (۱۳۹۱): وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۳. قنبران، عبدالحمید و مرضیه جعفری (۱۳۹۳): بررسی عوامل مؤثر در ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی نمونه موردی: محله درکه - تهران.

۲۴. کلانتری خلیل آباد، حسین و نجلا درخشانی (۱۳۹۳): راهبردهای پایداری، کالبدی- اجتماعی در محلات تاریخی، مطالعه موردی: محله عودلاجان، تهران، صص ۱۲-۱.
۲۵. کارمونا، متیو و همکاران (۱۳۹۱): مکان های عمومی فضاهاى شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران صص ۲۰-۴۰.
۲۶. مدنی پور، علی (۱۳۸۹): طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی"، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۷. میرزایی، وحید، پیمان قمشه (۱۳۹۶): بررسی عناصر و ساختار کالبدی بازارهای سنتی در شکل گیری روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی (نمونه موردی بازاراراک در دوره قاجار)، سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، صص ۱۲-۱.
۲۸. نواداد، لیلا (۱۳۹۳): تعاملات اجتماعی در فضای شهری، کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی-شهرمصدر، صص ۳-۷.

29. Coleman, J.S. (1988), *Social Capital in the Creation of Human Capital*. *the American Journal of Sociology* 94, Supplement: S95-S120
30. Dale, A. and Newman L. (2010), *(Social Capital: A Necessary and Sufficient Condition for Sustainable Community Development?* *Community Development journal*, 45 (1): pp. 5-21.
31. Hedayati Marzbali Masoume. *Examining Social Cohesion and victimization in a Malaysian multiethnic neighborhood*. *International Journal of law. crime and justice* 42(2014) 385-405
32. Litman, T. (2012); *Community Cohesion as a Transport Planning Objective*; *Victoria Transport Policy Institute*, available at: [HYPERLINK "http://www.vtpi.com/"](http://www.vtpi.com/) www.vtpi.com.
33. *TDM Encyclopedia* (2012); *Land Use Evaluation: Evaluating How Transportation Decisions Affect Land Use Patterns, and the Economic, Social and Environmental Impacts That Result*; *Victoria Transport Policy Institute*, Updated 10 September 2012. pp.10-14
34. Wood, L., Giles-Corti, B. and Bulsara, M. (2012); *Street Apart: Does Social Capital Vary with Neighbourhood Design?* *Hindawi Publishing Corporation: Urban Studies Research*, Volume 2012, Article ID 507503.